

سرگذشت آب و آتش

آذرگان

آذرگان،

جشن نیایش آتش است.

آتشی که گرمای آن به زندگی مان شور و شوق عشق را هدیه می دهد.

همان آتش مقدس که برای همه مان ارزش خاصی دارد...

برای همه و بیش از همه برای من...

سرشناسه: برادران، بهار، ۱۳۷۵ -
عنوان و نام پدیدآور: آذرگان (سرگذشت آب و آتش) /
نویسنده بهار برادران.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات پر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۶۴۰ ص.
شابک: 978-622-6041-26-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction - 20th century
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱۷آ۴۴/ر، ۸۳۳۵ PIR
رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۸۱۱۶



انتشارات پر

- نام کتاب: آذرگان (سرگذشت آب و آتش)
- نویسنده: بهار برادران
- طرح جلد: علی شیردستان
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۳-۲۶-۶۰۴۱-۶۲۲-۹۷۸-978-622-6041-26-3 ISBN

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

www.ParNashr.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد
حکیم ابوالقاسم فردوسی

اهورامزدا از دو واژه‌ی اهورا و مزدا ساخته شده است. در زبان اوستایی کهن، اهورا به معنای وجود مطلق و هستی‌بخش است که عالم و هرچه در آن است، چون جان‌مان را آفریده و از او به عنوان خدا یاد می‌شود. مزدا نیز به معنای حافظه و به یاد داشتن و یا همان دانش و هوش بزرگی است که در لغت خرد خلاصه می‌شود. بنابراین واژه‌ی اهورامزدا به معنای دانای بزرگ و هستی‌بخش یا به عبارت دیگر همان خداوند جان و خرد می‌باشد.

سخنی با خواننده

سرگذشت آب و آتش: آذرگان که در ادامه‌ی آبانگان نوشته شده است، رمانی است عاشقانه که در دل تاریخ و حوادث آن روایت می‌شود. حوادث تاریخی داستان به نقل از منابع تاریخی به تصویر کشیده شده‌اند و تلاش شده است تا به صورت مستند و بر پایه‌ی تحقیقات تاریخی نوشته شوند. البته همان‌طور که در بخش‌های قبل نیز اشاره شد، برخی اتفاقات با رعایت تقدم تاریخی از نظر زمانی کمی جابه‌جا شده‌اند.

بخش عاشقانه‌ی داستان نیز که رابطه‌ی تنگاتنگی با بخش تاریخی دارد، بیشتر بر پایه‌ی تخیل نویسنده و با شناخت از جامعه‌ی ایرانی قرن ششم میلادی نگاشته شده است.

امید است این اعمال سلیقه تنها به بهبود روند داستان کمک کرده و مخاطب را از تاریخ و واقعیت‌های آن دور نکرده باشد.

پیشگفتار

- دایانا؟ آماده شدی؟

- الآن میام.

سرم را از روی میز بلند می‌کنم و نگاهی به آینه می‌اندازم. مدت‌هاست که چنین لباسی بر تن نکرده‌ام. موهایم را پشت سرم جمع می‌کنم اما پشیمان می‌شوم. دوباره آن‌ها را روی شانهم می‌ریزم...

اغراق‌آمیز نخواهد بود اگر ادعا کنم از نخستین جملات داستان به پایان فکر می‌کردم. پایانی که انتظار نداشتم به این سرعت از راه برسد. در ابتدای مهرگان به مخاطب وعده دادم در بخش‌های پایانی، تاریخ پررنگ‌تر خواهد بود. بسیار خرسندم که به این وعده عمل کردم و آذرگان بیش از دو جلد قبل به روایت تاریخ می‌پردازد. تاریخی که در دوره‌ی خسروانشیروان بسیار افتخارآمیز جلوه می‌کند. اگرچه در تمام لحظات داستان تلاش کردم تاریکی‌ها و ضعف‌های این دوره را نیز نشان دهم و هرگز از شخصیت‌های واقعی تاریخ‌مان چهره‌ای کاملاً سفید نسازم؛ اما همان‌طور که اغلب منابع تاریخی هم‌زمان هستند، خسروانشیروان ساسانی در کنار تمامی خطاهایش آنقدر بزرگ هست که همچون یک قهرمان جلوه کند. امیدوارم توانسته باشم حقیقت را در کنار داستانی عاشقانه به مخاطب عرضه کنم.

مسئله‌ی دیگری که لازم می‌دانم در این مقدمه به آن بپردازم پاسخ به یک نقد رایج است. از ابتدای انتشار مهرگان تا به امروز این نقد را بسیار شنیده‌ام که چطور با زبانی ساده و حتی گاهی عامیانه از تاریخ نوشتم. و این سوال که به راستی در آن زمان مردم چگونه صحبت می‌کردند؟ البته که پاسخ روشن است. به خوبی می‌دانیم زبان گفتگوی افراد شبیه این کتاب نیست. حتی شبیه دیگر کتب تاریخی